

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استاد یار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گله - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



A Study of Late-Payment Penalties in the Banking System of the Islamic Republic of Iran

Alireza Karami¹

Manoochehr Khodarahmi²

Mohammad Hasan Goli Shirdar³

Abstract

Late-payment penalties in the banking system of the Islamic Republic of Iran have created a fundamental tension between economic necessities and religious requirements. The main question of this study is the apparent conflict between economic necessities and Shari'a obligations regarding late-payment penalties. On the one hand, such penalties seem necessary for maintaining economic order and preventing abuse by debtors; on the other hand, some jurists consider them a form of usury (riba) and incompatible with Islamic principles. This tension has placed the country's banking system at a crossroads between preserving economic efficiency and adhering to religious principles. Seeking to provide a solution to this problem, the present study introduces an innovative, integrative approach. Its novelty lies in creatively combining jurisprudential principles such as the no-harm rule (qa'idat la darar) and causation (tasbib) with legal concepts such as stipulations within contracts. This integrative approach offers a practical mechanism to address the economic difficulties resulting from delayed repayment of banking facilities while simultaneously observing Shari'a principles. Using a descriptive-analytical method and a careful examination of library sources and legal documents, the research reaches several important findings, including the possibility of revising the structure of banking contracts to incorporate more precise and Shari'a-compliant stipulations, providing a religiously legitimate solution for compensating losses arising from delayed repayment without conflicting with Islamic principles, and proposing specific legal and regulatory reforms to resolve the tension between economic needs and religious obligations. These findings

-
1. PhD Student in Jurisprudence and Principles of Law, University of Adalat, Tehran, Iran; karami11090@gmail.com
 2. Senior Professor (Advanced Level) of the Qom Seminary, Qom, Iran; m.khodarahmi1364@yahoo.com
 3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Law, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran; mhgolshardar1964@gmail.com

demonstrate that, through a creative and flexible approach, a balance can be achieved between economic efficiency and adherence to Shari'a in the Islamic banking system.

Keywords: late-payment penalty, Islamic banking system, jurisprudential rules, usury (riba), no-harm rule, causation rule.

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

بررسی جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران

علیرضا کرمی^۱

منوچهر خدا رحمی^۲

محمدحسن گلی شیردار^۳

چکیده

جریمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران، چالشی اساسی میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات شرعی ایجاد کرده است. مسئله اصلی این تحقیق، تعارض ظاهری میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات شرعی در زمینه جرمه تأخیر تأدیه است. از یک سو، این جرمه برای حفظ نظم اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران ضروری به نظر می‌رسد، و از سوی دیگر، برخی فقها آن را مصداق ربا و مغایر با موازین اسلامی می‌دانند. این تعارض، نظام بانکی کشور را با دوراهی حفظ کارآمدی اقتصادی یا پایبندی به اصول شرعی مواجه ساخته است. این پژوهش با هدف ارائه راه‌حلی برای این مسئله، رویکردی نوآورانه و تلفیقی را معرفی می‌کند. نوآوری این تحقیق در ترکیب خلاقانه اصول فقهی همچون قاعده لاضرر و تسبیب با مفاهیم حقوقی مانند شرط ضمن عقد است. این رویکرد تلفیقی، راهکاری عملی برای حل مشکلات اقتصادی ناشی از تأخیر در بازپرداخت تسهیلات بانکی ارائه می‌دهد، درحالی‌که هم‌زمان اصول شرعی را نیز رعایت می‌کند. با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی دقیق منابع کتابخانه‌ای و اسناد حقوقی، این پژوهش به نتایج مهمی دست یافته است. مهم‌ترین یافته‌ها عبارت‌اند از: امکان بازنگری در ساختار قراردادهای بانکی برای گنجانیدن شروط دقیق‌تر و منطبق با شرع. ارائه راهکاری شرعی برای

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه عدالت؛ تهران، ایران؛ karami11090@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، قم، ایران؛ @yahoo.com1364m.khodarahmi

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران؛ mhgolshardar1964@gmail.com

جبران خسارات ناشی از تأخیر در بازپرداخت تسهیلات، بدون تعارض با اصول اسلامی. پیشنهاد اصلاحات قانونی و مقرراتی مشخص برای حل تعارض میان نیازهای اقتصادی و الزامات شرعی. این یافته‌ها نشان می‌دهد که می‌توان با رویکردی خلاقانه و منعطف، توازن میان کارآمدی اقتصادی و رعایت اصول شرعی در نظام بانکداری اسلامی ایجاد کرد. واژه‌های کلیدی: جریمه تأخیر تأدیه، نظام بانکداری اسلامی، قواعد فقهی، ربا، لاضرر، قاعده تسبیب.

مقدمه

نظام بانکداری اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، همواره با چالش‌های متعددی در زمینه انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی روبرو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، مسئله جریمه تأخیر تأدیه است که از یک سو برای حفظ نظم اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران، ضروری به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، با برخی موازین فقهی در تعارض قرار می‌گیرد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۳۴) ضرورت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که عدم وجود راهکاری مناسب برای جبران خسارات ناشی از تأخیر در بازپرداخت تسهیلات، می‌تواند منجر به اختلال در نظام بانکی و افزایش مطالبات معوق شود. آمارها نشان می‌دهد که میزان مطالبات غیرجاری بانک‌های کشور در سال‌های اخیر روند صعودی داشته است. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰، ص ۴۵) مسئله اصلی این پژوهش، تعارض ظاهری میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات شرعی در زمینه جریمه تأخیر تأدیه است. از منظر فقهی، اکثر علما این جریمه را مصداق ربا و خلاف موازین شرعی می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۱۷) در مقابل، اقتصاددانان بر ضرورت وجود مکانیسمی برای جبران خسارات ناشی از تأخیر در بازپرداخت تسهیلات تأکید دارند. (توسلی و کاشیان، ۱۳۹۸، ص ۱۳۰) این مقاله با هدف ارائه رویکردی تلفیقی که ضمن حفظ اصول شرعی، راهکارهایی عملی برای حل مشکلات اقتصادی ارائه دهد، به بررسی انتقادی جریمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

- آیا می‌توان راهکاری شرعی برای جبران خسارات ناشی از تأخیر در

بازپرداخت تسهیلات ارائه داد؟

- چگونه می‌توان میان الزامات شرعی و نیازهای اقتصادی در زمینه جرمه تأخیر تأدیه توازن ایجاد کرد؟

- آیا استفاده از مفاهیمی چون اصل (لاضرر) و (قاعده تسبیب) می‌تواند راهگشای این مسئله باشد؟

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد حقوقی، به واکاوی ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازد. نوآوری این تحقیق در ارائه رویکردی است که با تکیه بر اصول فقهی و حقوقی، سعی در ایجاد پلی میان نیازهای اقتصادی و الزامات شرعی دارد.

مهم‌ترین پیشینه‌های مسئله تحقیق عبارت‌اند از:

۱. نویسندگان: موسویان، سید عباس و میثمی حسین (سال انتشار: ۱۳۹۳) بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران، مجله فصلنامه اقتصاد اسلامی. در مقایسه این دو، پژوهش حاضر فراتر از بررسی صرفاً فقهی و اقتصادی رفته و یک مدل ترکیبی ارائه می‌دهد که ابعاد فقهی، حقوقی و عملیاتی را هم‌زمان در نظر می‌گیرد.

۲. نویسندگان: کاتوزیان، ناصر و عبدی‌پور فرد، (سال انتشار: ۱۳۹۵) تحلیل ماهیت حقوقی خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران جله مطالعات حقوق خصوصی. در مقایسه این دو، پژوهش حاضر علاوه بر تحلیل حقوقی، راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی و الگوریتم‌های هوشمند برای محاسبه خسارت ارائه می‌دهد.

۳. نویسندگان: حسینی، سید محمد و رضایی، محمد (سال انتشار: ۱۳۹۷) بررسی تطبیقی جرمه تأخیر تأدیه در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، مجله پژوهش‌های فقهی. در مقایسه این دو، پژوهش حاضر فراتر از مقایسه تطبیقی رفته و یک مدل عملیاتی برای حل چالش‌های موجود پیشنهاد می‌دهد.

۴. نویسندگان: موسویان، سید عباس و بهاری قراملکی حسن (سال انتشار: ۱۳۹۹) الگوی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در بانکداری اسلامی: رویکردی نوین مجله تحقیقات مالی اسلامی. در مقایسه این دو، پژوهش حاضر برخلاف الگوی ایستای آنها، این پژوهش یک الگوریتم هوشمند و پویا ارائه می‌دهد که با شرایط اقتصادی و وضعیت مالی بدهکار تطبیق می‌یابد.

۵. نویسندگان: علیزاده، عبدالرضا و محمدی، محمد (سال انتشار: ۱۴۰۰) چالش‌های فقهی و حقوقی شرط کیفی در قراردادهای بانکی مجله فقه و حقوق اسلامی. در مقایسه این دو، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی چالش‌ها، راهکارهای عملی برای همکاری بین نهادی و اجرای آزمایشی مدل پیشنهاد می‌دهد. به طور کلی، نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک رویکرد جامع، یکپارچه و عملیاتی است که از فناوری‌های نوین بهره می‌گیرد و راهکارهای اجرایی برای پیاده‌سازی در نظام بانکی ارائه می‌دهد که در مجموع، گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین در این حوزه برمی‌دارد.

۱. تبیین مفهوم جرمه تأخیر تأدیه

۱-۱. جرمه

در کتب لغت، واژه جرمه از ریشه جرم گرفته شده است. خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین می‌نویسد: الجُرْمُ: الذَّنْبُ، والجمع: أْجْرَامٌ و جُرُومٌ. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۵۳) یعنی جرم به معنای گناه است و جمع آن اجرام و جروم است راغب اصفهانی در مفردات ألفاظ القرآن می‌نویسد: أْخَرَ نَقِيضُ قَدَمٌ. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸) یعنی تأخیر ضد تقدیم است. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: التَّأْخِيرُ: ضِدُّ التَّقْدِيمِ. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۲) که همان معنای راغب اصفهانی را تأیید می‌کند. التَّأْدِيَةُ: جوهری در صحاح می‌نویسد: أَدَيْتُ الْأَمَانَةَ تَأْدِيَةً، أَي: قَضَيْتُهَا. (الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۷۵) یعنی امانت را تأدیه کردم، آن را ادا کردم. در لسان العرب، تأدیه به معنای ایصال و رساندن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۷)

۱-۲. جرمه تأخیر تأدیه

مفهوم جرمه تأخیر تأدیه در اصطلاح به مبلغی اطلاق می‌شود که بدهکار به دلیل تأخیر در پرداخت بدهی خود، علاوه بر اصل بدهی به پرداخت آن ملزم می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۳۱) در نظام بانکی، این جرمه معمولاً به صورت درصدی از مبلغ بدهی معوق محاسبه می‌شود (موسویان، ۱۳۹۷، ص ۱۷۸) ماهیت حقوقی جرمه تأخیر تأدیه محل بحث و اختلاف نظر است. برخی آن را نوعی وجه التزام قراردادی

می‌دانند، (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۴۵) در حالی که گروهی دیگر آن را جبران خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد تلقی می‌کنند. (صفایی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۳)

۲. مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با جرمه تأخیر تأدیه

در خصوص جرمه تأخیر تأدیه یک سری مبانی فقهی و حقوقی وجود دارد که در ادامه برخی از آنها مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

۲-۱. قواعد فقهی مرتبط

دسته اول قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده تسبیب و قاعده ی وفای به عهد می‌باشند که در ادامه تبیین می‌شوند.

۱-۱-۲. قاعده لاضرر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که می‌تواند در توجیه جرمه تأخیر تأدیه مورد استناد قرار گیرد قاعده لاضرر است. این قاعده بیان می‌کند که در اسلام هیچ حکمی که موجب ضرر به دیگران شود، تشریح نشده است. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۳۱) در زمینه جرمه تأخیر تأدیه، برخی فقها استدلال می‌کنند که عدم جبران خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت، موجب ضرر به طلبکار می‌شود و بر اساس این قاعده، باید جبران شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۵۹) در ارتباط با جرمه تأخیر تأدیه، این قاعده از دو جنبه قابل بررسی است:

الف) جلوگیری از ضرر به طلبکار: برخی فقها استدلال می‌کنند که عدم جبران خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت، موجب ضرر به طلبکار می‌شود. به عنوان مثال، آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، ارزش پول کاهش می‌یابد و این امر موجب ضرر به طلبکار می‌شود؛ بنابراین، بر اساس قاعده لاضرر، جبران این خسارت لازم است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۶۱)

ب) جلوگیری از سوءاستفاده بدهکار: از منظری دیگر، عدم وجود مکانیسمی برای جبران خسارت ناشی از تأخیر، می‌تواند موجب سوءاستفاده بدهکاران و در نتیجه، ضرر به نظام اقتصادی و بانکی شود. دکتر موسویان در این زمینه معتقد است

که اجازه‌دادن به بدهکاران برای تأخیر در پرداخت بدون هیچ جریمه‌ای، موجب اختلال در نظام اقتصادی و ضرر به جامعه می‌شود. (موسویان، ۱۳۹۷، ص ۱۸۳) با این حال، استفاده از قاعده لاضرر برای توجیه جریمه تأخیر تأدیه با چالش‌هایی نیز روبروست. برخی فقها معتقدند که این قاعده صرفاً برای نفی احکام ضرری وضع شده و نمی‌تواند مبنای ایجاد حکم جدید (مانند وجوب پرداخت جریمه) قرار گیرد. (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۷۸) همچنین، دکتر کاتوزیان در تحلیل حقوقی این موضوع بیان می‌کند که استناد به قاعده لاضرر برای توجیه جریمه تأخیر تأدیه، نیازمند اثبات ورود ضرر واقعی به طلبکار است و نمی‌توان صرفاً بر اساس احتمال ورود ضرر، حکم به پرداخت جریمه داد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۱۶۷)

۲-۱-۲. قاعده تسبیب

قاعده تسبیب بیان می‌کند که هرکس سبب ورود خسارت به دیگری شود، ضامن است. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۷) در مورد جریمه تأخیر تأدیه، می‌توان استدلال کرد که بدهکار با تأخیر در پرداخت، سبب ورود خسارت به طلبکار شده و بر اساس این قاعده، ملزم به جبران خسارت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳) در ارتباط با جریمه تأخیر تأدیه، قاعده تسبیب از چند جنبه قابل بررسی است:

الف) تسبیب بدهکار در ورود خسارت: بر اساس این دیدگاه، بدهکاری که در پرداخت بدهی خود تأخیر می‌کند، سبب ورود خسارت به طلبکار می‌شود. این خسارت می‌تواند شامل کاهش ارزش پول، از دست‌دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، یا تحمیل هزینه‌های اضافی به طلبکار باشد. دکتر جعفری لنگرودی معتقد است که در چنین مواردی، بدهکار مسبب ورود خسارت به طلبکار است و بر اساس قاعده تسبیب، ملزم به جبران خسارت است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۵)

ب) شرایط اعمال قاعده تسبیب: برای اعمال قاعده تسبیب در مورد جریمه تأخیر تأدیه، باید شرایطی وجود داشته باشد. به بیان دکتر کاتوزیان این شرایط عبارت‌اند از: وجود رابطه سببیت میان فعل بدهکار (تأخیر در پرداخت) و ضرر وارده به طلبکار، قابلیت انتساب ضرر به فعل بدهکار و تقصیر بدهکار در تأخیر پرداخت. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۱۸۹)

ج) چالش‌های استناد به قاعده تسبیب: استفاده از قاعده تسبیب برای توجیه جرمه تأخیر تأدیه با چالش‌هایی نیز روبروست. برخی فقها معتقدند که صرف تأخیر در پرداخت، به تنهایی نمی‌تواند مصداق تسبیب باشد و باید شرایط دیگری نیز احراز شود. آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گوید: برای اثبات تسبیب، باید ثابت شود که تأخیر در پرداخت، عرفاً و عقلاً سبب ورود خسارت به طلبکار شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۲۳)

د) راهکارهای عملی: برخی پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که برای استفاده از قاعده تسبیب در توجیه جرمه تأخیر تأدیه، می‌توان از روش‌هایی مانند «شرط ضمن عقد» استفاده کرد. در این روش، طرفین در هنگام انعقاد قرارداد، شرط می‌کنند که در صورت تأخیر در پرداخت، بدهکار ملزم به جبران خسارت بر اساس قاعده تسبیب خواهد بود. (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸)

۳-۱-۲. قاعده وفای به عهد

وفای به عهد یکی از اصول اخلاقی و حقوقی مهم در اسلام است که بر پابندی به تعهدات و قراردادهای تأکید دارد. این اصل در قرآن کریم و روایات اسلامی به صورت متعدد مورد تأکید قرار گرفته است در آیه ۳۴ سوره اسراء آمده است: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد) در فقه اسلامی، وفای به عهد به عنوان یک قاعده فقهی مهم شناخته می‌شود. شیخ انصاری در کتاب «مکاسب» به تفصیل درباره این قاعده بحث کرده است. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۵۸-۲۶۰) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱ سوره مائده، به اهمیت وفای به عهد در روابط اجتماعی و اقتصادی اشاره کرده و آن را یکی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۶۵-۱۶۷) در رابطه با جرمه تأخیر تأدیه، برخی فقها و حقوق‌دانان از اصل وفای به عهد برای توجیه مشروعیت این جرمه استفاده کرده‌اند. استدلال آنها این است که وقتی طرفین قرارداد بر پرداخت جرمه در صورت تأخیر توافق کرده‌اند، عمل به این توافق مصداق وفای به عهد است. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۸) این دیدگاه بر اساس عمومات آیات و روایات مربوط به وفای به عهد و همچنین قاعده فقهی

«المؤمنون عند شروطهم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۰) استوار است. با این حال، برخی فقها معتقدند که اصل وفای به عهد نمی‌تواند مشروعیت جرمه تأخیر تأدیه را به طور کامل توجیه کند، زیرا این اصل در مواردی که شرط خلاف شرع باشد، جاری نمی‌شود؛ (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۱۲)

۲-۲. حرمت ربا

حرمت ربا در اسلام یکی از اصول و مبانی مهم اقتصادی و اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات اسلامی به شدت مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾؛ «و خداوند دادوستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است» (بقره: ۲۷۵) همچنین در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چند برابر نخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» احادیث متعددی نیز از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل شده که هر نوع زیاده بر اصل قرض را ربا و حرام دانسته‌اند. به عنوان مثال، حدیث «کل قرض جر منفعة فهو ربا؛ هر قرضی که منفعتی را به دنبال داشته باشد، ربا است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۳۶۴) مورد استناد قرار می‌گیرد. صاحب جواهر تأکید می‌کند که حرمت ربا مورد اجماع تمام فقهای اسلام است. ایشان می‌نویسد: لا خلاف ولا إشكال فی تحریم الربا فی الجملة، بل الإجماع بقسمیه علیه (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۳۱). یعنی هیچ اختلاف و اشکالی در حرمت ربا به طور کلی وجود ندارد، بلکه اجماع به هر دو قسم آن (منقول و محصل) بر این حکم وجود دارد. برخی فقها جرمه تأخیر تأدیه را مصداق ربا می‌دانند، زیرا آن را زیاده‌ای بر اصل بدهی تلقی می‌کنند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۴۳). این دیدگاه چالش جدی در پذیرش جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری اسلامی ایجاد کرده است. ربا در لغت به معنای زیادت و افزایش است و در اصطلاح فقهی به معنای دریافت مازاد در قرض یا معامله تعریف می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۹۲) در فقه اسلامی، ربا به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: ربای قرضی و ربای معاملی. ربای قرضی زمانی اتفاق می‌افتد که قرض‌دهنده در ازای قرض دادن، مبلغی اضافه بر اصل قرض دریافت کند. ربای

معاملی خود به دو دسته ربای فضلی (معامله دو کالای هم جنس با تفاوت در مقدار) و ربای نسبه (فروش نسبه کالایی که با جنس خودش معامله می شود) تقسیم می شود. (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۵۰)

حکمت تحریم ربا در اسلام دلایل متعددی دارد که برخی از مهم ترین آنها عبارت اند از:

جلوگیری از استثمار و بهره کشی؛

حفظ عدالت اقتصادی و جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده ای خاص؛

تشویق به کار و تلاش و جلوگیری از رکود اقتصادی؛

جلوگیری از افزایش تورم و حفظ سلامت روانی جامعه.

۲-۳. اصل صحت معاملات

اصالة الصحة در معاملات و قراردادها یکی از اصول مهم فقهی است که بر اساس آن، اصل بر صحت معاملات و قراردادها گذاشته می شود، مگر آنکه دلیلی بر فساد آنها اقامه شود (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۶۷). برخی فقها با استناد به این اصل، قراردادهایی که در آنها شرط جریمه تأخیر تأدیه وجود دارد را صحیح می دانند، مشروط بر اینکه این شرط به صورت صحیح و شرعی تنظیم شده باشد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۲) این اصل در ماده ۲۲۳ قانون مدنی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. حال باید این اصل از جهاتی مورد بررسی قرار گیرد تا تأثیر آن بر موضوع بحث مشخص گردد از جمله:

الف) مبانی فقهی اصل صحت: این اصل بر پایه چند دلیل استوار است، از جمله حدیث نبوی (المؤمنون عند شروطهم) که یکی از مهم ترین ادله برای لزوم وفای به شروط و صحت معاملات به حساب می آید. شیخ انصاری در کتاب مکاسب به این حدیث استناد کرده و می نویسد: فإن ظاهر قوله صلى الله عليه وآله «المؤمنون عند شروطهم» وجوب الوفاء بكل شرط، إلا ما خرج بالدليل. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۵۸) این حدیث دلالت بر وجوب وفای به هر شرطی دارد، مگر آنچه با دلیل خاص استثنا شده باشد. و همچنین عقلای جامعه در معاملات و قراردادهای خود، اصل را بر صحت می گذارند. این رویه عقلایی مورد تأیید شارع قرار گرفته است. علامه حلی در

تذکره الفقهاء به این اصل اشاره کرده و می‌نویسد: الأصل فی العقود الصحة، لأنّ العقلاء یبنون علی ذلك فی معاملاتهم (علامة حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۹۳) این اصل بیان می‌کند که در صورت شک در صحت یا فساد یک معامله، اصل بر عدم فساد است. البته باید توجه داشت که این اصل در مواردی که دلیل قطعی بر فساد معامله وجود دارد، جاری نمی‌شود. به‌عنوان مثال، در معاملات ربوی یا معاملاتی که موضوع آن‌ها حرام است، اصالة الصحة جاری نمی‌شود و حکم به فساد معامله داده می‌شود. (ب) در بحث جریمه تأخیر تأدیه، برخی فقها و حقوق‌دانان از اصل صحت برای توجیه مشروعیت این جریمه استفاده کرده‌اند. استدلال آنها به این شرح است که قرارداد جریمه تأخیر تأدیه یک معامله است و اصل بر صحت آن است. تا زمانی که دلیل قطعی بر حرمت یا بطلان این قرارداد اقامه نشده، می‌توان به صحت آن حکم کرد. شرط جریمه تأخیر در قراردادها، مصداق (المؤمنون عند شروطهم) است و باید به آن عمل کرد. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۵۶)

(ج) نظرات موافق: آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که با توجه به اصل صحت، اگر جریمه تأخیر به صورت شرط ضمن عقد باشد و هدف آن جبران خسارت واقعی باشد، مشکل شرعی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۷۰) دکتر کاتوزیان نیز بر این باور است که اصل صحت می‌تواند مبنایی برای پذیرش شرط جریمه تأخیر در قراردادها باشد، مشروط بر اینکه این شرط خلاف قواعد آمره و نظم عمومی نباشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۲۳) دیدگاه آیت‌الله رضوانی به عنوان یکی از فقهای معاصر، رویکردی نوین در تبیین مشروعیت این جریمه ارائه می‌دهد. ایشان با تکیه بر اصل شرط ضمن عقد، ماهیت جریمه تأخیر را از حوزه ربا خارج کرده و آن را در قالب جبران خسارت تبیین می‌کند. از منظر ایشان، بانک‌ها در جایگاه واسطه‌گری مالی بین سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان، مجاز به دریافت این جریمه هستند، مشروط بر آنکه مبلغ دریافتی متناسب با خسارت واقعی وارده باشد و جنبه انتفاعی نداشته باشد این دیدگاه با تأکید بر کارکرد انضباطی جریمه تأخیر، آن را ابزاری مؤثر در جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران می‌داند. نکته قابل توجه در استدلال آیت‌الله رضوانی، تفکیک ماهوی بین جریمه تأخیر و ربا است.

ایشان با استناد به اصل تخلف از تعهد، جرمه را نه به عنوان سود اضافی، بلکه به عنوان جبران خسارت ناشی از تأخیر در بازپرداخت تبیین می‌کند. (رضوانی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۲۳)

د) نظرات مخالف: برخی فقها مانند آیت‌الله خویی معتقدند که اصل صحت در مواردی که شبهه ربا وجود دارد، جاری نمی‌شود و باید احتیاط کرد (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۱۵) همچنین، برخی حقوقدانان استدلال می‌کنند که اصل صحت نمی‌تواند مبنایی برای نادیده گرفتن قواعد آمره مانند حرمت ربا باشد. (صفایی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۸) ه) چالش‌ها و راهکارها:

تعارض با اصل حرمت ربا: برای حل این چالش، برخی پیشنهاد داده‌اند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹) که جرمه تأخیر باید صرفاً جنبه جبران خسارت داشته باشد و نه کسب سود.

تعیین میزان جرمه: برای رفع شبهه ربا، پیشنهاد شده است که میزان جرمه متناسب با خسارت واقعی تعیین شود.

لزوم احراز قصد طرفین: برخی معتقدند که باید قصد واقعی طرفین از درج شرط جرمه احراز شود تا مشخص شود که هدف، دور زدن قانون نبوده است. در نهایت، می‌توان گفت که اصل صحت معاملات، اگرچه می‌تواند مبنایی برای توجیه جرمه تأخیر تأدیه باشد، اما استفاده از آن نیازمند دقت نظر و رعایت ملاحظات فقهی و حقوقی است. همچنین، ترکیب این اصل با سایر اصول و قواعد فقهی می‌تواند راهگشای حل مسئله جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری اسلامی باشد. (کاشانی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸) بررسی این قواعد فقهی نشان می‌دهد که در مورد مشروعیت جرمه تأخیر تأدیه، اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. برخی از این قواعد می‌توانند به عنوان مبنایی برای توجیه این جرمه استفاده شوند، در حالی که برخی دیگر چالش‌هایی را در این زمینه ایجاد می‌کنند.

۳. بررسی تطبیقی جرمه تأخیر تأدیه در نظام‌های حقوقی مختلف

در نظام‌های حقوقی نظریان مختلفی در خصوص جرمه تأخیر تأدیه وجود دارد که در ذیل برخی از آنها مورد بررسی قرار گرفته می‌شوند.

۳-۱. جرمه تأخیر تأدیه در نظام حقوقی ایران

بررسی تطبیقی جرمه تأخیر تأدیه در نظام‌های حقوقی مختلف نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، جرمه تأخیر تأدیه با چالش‌های فقهی و حقوقی متعددی روبرو بوده است. ماده ۲۲۸ قانون مدنی ایران، اصل عدم مسئولیت تأخیر تأدیه را مقرر کرده است، مگر در موارد خاص (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۴۵). همچنین، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را با شرایطی پذیرفته است. (شمس، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۷۸)

راهکارهای جایگزین: در سال‌های اخیر، راهکارهایی مانند وجه التزام و شرط ضمن عقد برای جبران خسارت ناشی از تأخیر مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۲. جرمه تأخیر تأدیه در سایر کشورهای اسلامی

در سایر کشورهای اسلامی، راهکارهای متنوعی برای حل این مسئله ارائه شده است. به عنوان مثال، در نظام بانکداری اسلامی مالزی، از مفهوم «تعویض» برای جبران خسارت ناشی از تأخیر استفاده می‌شود. این مبلغ نباید از هزینه‌های واقعی بانک فراتر رود. در عربستان سعودی جرمه تأخیر به عنوان ربا تلقی می‌شود، اما برخی بانک‌ها از روش‌هایی مانند تعهد به پرداخت صدقه در صورت تأخیر استفاده می‌کنند. (حسین و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۸۷) در کشور امارات متحده عربی، استفاده از (رسوم تأخیر) (Late Payment Fees) با شرایطی مجاز شمرده شده است، مشروط بر اینکه این مبلغ به امور خیریه اختصاص یابد. در نظام بانکداری اسلامی ترکیه، استفاده از جرمه تأخیر با عنوان «تعویض» مجاز شمرده شده است، اما این مبلغ باید متناسب با خسارت واقعی باشد. (شمسی، ۲۰۲۰، ص ۱۵۶)

۳-۳. جرمه تأخیر تأدیه در نظام‌های حقوقی غربی

ایالات متحده آمریکا: در این کشور، جرمه تأخیر در قراردادها به طور گسترده پذیرفته شده است. دادگاه‌ها معمولاً شروط جرمه را اجرا می‌کنند، مگر اینکه غیرمنصفانه یا زیاده از حد باشند.

انگلستان: در نظام حقوقی انگلستان، بین «جرمه» (Penalty) و «خسارت مقطوع»

(Liquidated Damages) تمایز وجود دارد. دادگاه‌ها معمولاً خسارت مقطوع را که برآورد منطقی از خسارت احتمالی است، اجرا می‌کنند. (فارنورث، ۲۰۱۸، ج ۳، ص ۳۰۲)

فرانسه: در قانون مدنی فرانسه، مفهوم «شرط کیفری» (Clause pénale) وجود دارد که به طرفین اجازه می‌دهد مبلغی را برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد تعیین کنند.

آلمان: در قانون مدنی آلمان، مفهوم «جریمه قراردادی» (Vertragsstrafe) وجود دارد که به طرفین اجازه می‌دهد برای نقض قرارداد جریمه تعیین کنند، اما دادگاه‌ها می‌توانند جریمه‌های غیرمنصفانه را تعدیل کنند. (مک‌کندریک، ۲۰۲۰، ص ۴۲۳)

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که رویکردها به جریمه تأخیر تأدیه در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. در کشورهای اسلامی، تلاش شده است تا راهکارهایی سازگار با شریعت برای جبران خسارت ناشی از تأخیر ارائه شود، در حالی که در نظام‌های حقوقی غربی، جریمه تأخیر به طور گسترده‌تری پذیرفته شده است. این تفاوت‌ها می‌تواند منبع الهامی برای یافتن راهکارهای نوآورانه در نظام حقوقی ایران باشد.

۴. چالش‌های فقهی و حقوقی جریمه تأخیر تأدیه

جریمه تأخیر تأدیه در نظام حقوقی و بانکی ایران با چالش‌های متعددی روبرو است که عمدتاً ریشه در مباحث فقهی و حقوقی دارد. در این بخش، به بررسی سه چالش اصلی می‌پردازیم.

۴-۱. چالش‌های فقهی

شبهه ربو چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول چالش‌های فقهی، دسته دوم چالش‌های حقوقی که در اینجا چالش‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

۴-۱-۱. شبهه ربوی بودن

شبهه ربوی بودن جریمه تأخیر تأدیه یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فقه و حقوق

اسلامی است. جریمه تأخیر تأدیه، مبلغی است که بدهکار در صورت تأخیر در پرداخت بدهی خود، ملزم به پرداخت آن می‌شود. این موضوع در نظام بانکی و قراردادهای مالی کاربرد دارد، اما همواره با شبهه ربوی بودن مواجه بوده است. (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳-۱۴۵)

مخالفان جریمه تأخیر تأدیه استدلال‌های متعددی را مطرح می‌کنند:

- زیاده بر اصل دین: آنها معتقدند که جریمه تأخیر تأدیه مصداق دریافت زیاده بر اصل بدهی و دین است که همان تعریف ربا می‌باشد. (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵)

- شباهت با ربای جاهلی: برخی فقها استدلال می‌کنند که جریمه تأخیر تأدیه شبیه به ربای جاهلی است که در آن طلبکار به بدهکار می‌گفت: «إما أن تقضی و إما أن تری؛ یا بدهی را می‌پردازی یا بر آن می‌افزایی». (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۶۵)

- عدم مشروعیت شرط زیاده: از دیدگاه برخی فقها، شرط زیاده در قرض مشروعیت ندارد و جریمه تأخیر تأدیه نیز نوعی شرط زیاده محسوب می‌شود. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۱۲)

در مقابل، موافقان جریمه تأخیر تأدیه پاسخ‌هایی را مطرح می‌کنند (تفاوت ماهوی با ربا):

- ماهیت جبرانی: موافقان استدلال می‌کنند که جریمه تأخیر تأدیه ماهیتی جبرانی دارد و هدف آن جبران خسارت وارده به طلبکار است، نه کسب سود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۷۸)

- عدم قصد انتفاع: در جریمه تأخیر تأدیه، قصد اولیه طرفین کسب سود نیست، بلکه هدف ایجاد انگیزه برای پرداخت به موقع بدهی است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۰)

- تفاوت در زمان تعیین: در ربا، زیاده از ابتدا مشخص است، اما در جریمه تأخیر تأدیه، مبلغ اضافی تنها در صورت تأخیر و به عنوان جریمه تعیین می‌شود. (سبحانی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۳)

- مبنای فقهی قاعده تسبیب: برخی فقها معتقدند که جریمه تأخیر تأدیه بر اساس قاعده تسبیب قابل توجیه است، زیرا بدهکار با تأخیر در پرداخت، سبب ورود خسارت به طلبکار شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۴۵)

- تفاوت در هدف و کارکرد: هدف از تحریم ربا، جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی است، در حالی که هدف از جریمه تأخیر تأدیه، حفظ نظم اقتصادی و تشویق به پرداخت به موقع بدهی‌هاست. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۱)

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتائی درباره جریمه تأخیر تأدیه فرموده‌اند: اگر شرط جریمه تأخیر در ضمن عقد لازم باشد و مقدار آن معین شده باشد، گرفتن آن اشکال ندارد (خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۳۴). این دیدگاه نشان‌دهنده پذیرش جریمه تأخیر تأدیه با شرایط خاص است.

راهکارهای پیشنهادی برای حل شبهه ربوی

الف) تعیین جریمه بر اساس تورم واقعی: برخی پیشنهاد کرده‌اند که جریمه تأخیر باید صرفاً معادل نرخ تورم باشد تا از شبهه ربا خارج شود. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۶)

ب) استفاده از عقود جایگزین: برخی فقها پیشنهاد کرده‌اند که می‌توان از عقود مانند صلح یا جعاله برای جبران خسارت تأخیر استفاده کرد. (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۱۲)

ج) شرط ضمن عقد: برخی حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند که جریمه تأخیر به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد اولیه گنجانده شود تا از شبهه ربا خارج شود. (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۸۷)

مسئله جبران خسارت

چالش دیگر در بحث جریمه تأخیر تأدیه، مسئله جبران خسارت است. سؤال اصلی این است که آیا جریمه تأخیر صرفاً باید محدود به جبران خسارت واقعی باشد یا می‌تواند فراتر از آن نیز باشد؟ برخی معتقدند که جریمه تأخیر باید دقیقاً معادل خسارت واقعی وارده باشد و هرگونه مازاد بر آن، مصداق اکل مال به باطل است. (صفایی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۸) در مقابل، گروهی دیگر استدلال می‌کنند که تعیین دقیق خسارت در بسیاری از موارد دشوار است و می‌توان از روش‌های قراردادی برای تعیین میزان جریمه استفاده کرد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۴۵) یا به بیان دیگر

در مواردی که تعیین دقیق خسارت دشوار یا غیرممکن است می‌توان از روش‌های تخمینی برای تعیین میزان جریمه استفاده کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۲۶) این رویکرد در برخی نظام‌های حقوقی مانند انگلستان تحت عنوان «خسارت مقطوع» (Liquidated Damages) شناخته می‌شود. در این زمینه، برخی از فقها پیشنهاد کرده‌اند که می‌توان از روش‌های جایگزین مانند (شرط کاهش مدت بازپرداخت) یا (تعهد به پرداخت وجه التزام) استفاده کرد که از نظر فقهی با چالش کمتری مواجه هستند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۱۰)

الف) انواع خسارات قابل جبران

الف) خسارت ناشی از کاهش ارزش پول: این نوع خسارت به دلیل تورم و کاهش قدرت خرید پول در طول زمان ایجاد می‌شود. برخی فقها و حقوقدانان معتقدند که جبران این نوع خسارت مشروع است. (موسویان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۲)

ب) خسارت ناشی از فرصت‌های از دست رفته: این خسارت مربوط به سودی است که طلبکار می‌توانست در صورت دریافت به موقع طلب خود کسب کند. در مورد مشروعیت جبران این نوع خسارت اختلاف نظر وجود دارد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۴۸)

ج) هزینه‌های وصول طلب: برخی معتقدند که هزینه‌های مربوط به پیگیری و وصول طلب نیز باید در محاسبه جریمه تأخیر لحاظ شود. (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۹۰)

ب) روش‌های محاسبه و تعیین جریمه

روش ثابت: در این روش، میزان جریمه به صورت درصد ثابتی از اصل بدهی تعیین می‌شود. این روش ساده است اما ممکن است در مواردی ناعادلانه باشد. (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹، ص ۲۹۲)

روش پلکانی: در این روش، میزان جریمه با افزایش مدت تأخیر افزایش می‌یابد. این روش می‌تواند انگیزه بیشتری برای پرداخت سریع‌تر بدهی ایجاد کند. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۶۰)

روش شناور: در این روش، میزان جریمه بر اساس شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ تورم یا نرخ سود بانکی تعیین می‌شود. این روش می‌تواند منعطف‌تر و عادلانه‌تر باشد. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵)

ج) راهکارهای جایگزین

شرط کاهش مدت بازپرداخت: در این روش، به جای تعیین جریمه، مدت بازپرداخت وام در صورت تأخیر کاهش می‌یابد. این راهکار از نظر فقهی با چالش کمتری مواجه است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۱۵)

تعهد به پرداخت وجه التزام: در این روش، بدهکار در قالب یک تعهد جداگانه، متعهد می‌شود در صورت تأخیر، مبلغی را به عنوان وجه التزام بپردازد. این روش می‌تواند از شبهه ربا دور باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۷۵)

استفاده از عقد صلح: برخی پیشنهاد کرده‌اند که می‌توان از عقد صلح برای توافق بر پرداخت مبلغی اضافه در صورت تأخیر استفاده کرد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۳۱۸)

۲-۱-۴. تعارض با اصل عدالت

چالش سوم، تعارض احتمالی جریمه تأخیر تأدیه با اصل عدالت است. برخی معتقدند که اعمال جریمه یکسان برای همه بدهکاران، بدون توجه به شرایط و علل تأخیر، می‌تواند ناعادلانه باشد (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۵۶) این مسئله به‌ویژه در مورد بدهکارانی که به دلیل شرایط اضطراری یا قوه قاهره، قادر به پرداخت به موقع نیستند، اهمیت پیدا می‌کند. در برخی موارد، ممکن است طلبکاران از جریمه تأخیر به عنوان ابزاری برای کسب سود بیشتر استفاده کنند، که این امر می‌تواند منجر به بی‌عدالتی شود (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۹۶) اگر جریمه تأخیر، بدون در نظر گرفتن توان مالی بدهکاران به طور یکسان برای همه آنها اعمال شود؛ این می‌تواند منجر به فشار نامتناسب بر بدهکاران کم‌درآمد شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۳۰) برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که باید بین تأخیر عمدی و غیرعمدی تفاوت قائل شد و مکانیسم‌های منعطف‌تری برای اعمال جریمه در نظر گرفت. (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹،

داده‌اند تا در شرایط خاص، میزان جریمه را تعدیل کند یا از اعمال آن خودداری نماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۲۵) این رویکرد می‌تواند راهکاری برای حل تعارض بین جریمه تأخیر و اصل عدالت باشد در برخی موارد، قوانین مربوط به جریمه تأخیر ممکن است بین اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوت قائل شوند که می‌تواند منجر به تبعیض ناعادلانه شود. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۵۲)

ایجاد مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر برای تعدیل جریمه در شرایط اقتصادی خاص، در نظر گرفتن شاخص‌های اقتصادی کلان در محاسبه جریمه، امکان تعلیق موقت جریمه در شرایط بحرانی اقتصادی، (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۰) استفاده از سیستم جریمه پلکانی (که با افزایش مدت تأخیر، جریمه افزایش می‌یابد) اعطای اختیار به قاضی برای تعدیل جریمه در موارد خاص (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹، ص ۲۹۵) تعیین سقف برای میزان جریمه قابل دریافت، نظارت دقیق بر نحوه اعمال جریمه توسط نهادهای نظارتی، ایجاد مکانیسم‌های قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۷۸) و مواردی از این قبیل می‌توانند راهکاری مناسب برای حل تعارض مذکور باشند.

۲-۴. چالش‌های حقوقی و قضایی

در بحث جریمه تأخیر تأدیه، علاوه بر مسائل مربوط به مشروعیت و ماهیت آن، چالش‌های حقوقی و قضایی دیگری نیز مطرح می‌شود که نیازمند بررسی دقیق است. دو مورد از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱-۲-۴. اختیارات قاضی در تعدیل جریمه

یکی از مباحث مهم در این زمینه، حدود اختیارات قاضی در تعدیل میزان جریمه تعیین شده در قرارداد است. این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند بر تعادل قراردادی و اصل حاکمیت اراده تأثیرگذار باشد. در برخی نظام‌های حقوقی، به قاضی اختیار داده شده است تا در صورت غیرمنصفانه بودن میزان جریمه، آن را تعدیل کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۲۸) این رویکرد می‌تواند به عنوان راهکاری برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی طرفین قرارداد و حفظ عدالت معاملاتی در نظر گرفته شود.

۲-۲-۴. مسئله اثبات خسارت

چالش دیگر در این زمینه، مربوط به اثبات خسارت است. سؤال اصلی این است که آیا طلبکار برای مطالبه جریمه تأخیر تأدیه، ملزم به اثبات خسارت وارده است یا صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه جریمه کفایت می‌کند؟ (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۹۳) این مسئله از جهات مختلف حقوقی و عملی حائز اهمیت است. در نهایت، باید توجه داشت که مسئله جبران خسارت در بحث جریمه تأخیر تأدیه، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند رویکردی جامع و متوازن است. این رویکرد باید ضمن رعایت موازین شرعی و اصول حقوقی، پاسخگوی نیازهای عملی نظام مالی و اقتصادی نیز باشد. در این راستا، ارائه راهکارهای نوآورانه و منطبق با اصول فقهی و حقوقی می‌تواند گامی مؤثر در جهت حل این مسئله پیچیده باشد.

۵. مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای حل چالش‌های موجود

برای چالش‌هایی که مطرح شد، راهکارهایی نیز وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته می‌شوند.

۵-۱. استفاده از شروط ضمن عقد

استفاده از شروط ضمن عقد یکی از راهکارهای مؤثر برای حل چالش‌های مربوط به جریمه تأخیر تأدیه است که می‌تواند شبهه ربوی بودن را کاهش داده و حقوق طرفین قرارداد را تأمین کند. این روش بر مبنای فقهی و حقوقی استوار است؛ چنان‌که بر اساس قاعده (المؤمنون عند شروطهم) و ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، طرفین قرارداد می‌توانند هر شرط غیرمخالف قانون را در عقد بگنجانند. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۵۶) در اجرای این روش، طرفین هنگام انعقاد قرارداد، شرطی را می‌گنجانند که بدهکار در صورت تأخیر در پرداخت، متعهد به پرداخت مبلغی به عنوان خسارت یا وجه التزام می‌شود. این شرط می‌تواند به صورت درصد ثابتی از اصل بدهی برای هر روز تأخیر، مبلغ مقطوع برای کل دوره تأخیر، یا مبلغی بر اساس شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ تورم تنظیم شود. (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳،

ص ۳۰۲) مزایای این روش شامل کاهش شبهه ربوی بودن به دلیل توافقی بودن شرط، انعطاف‌پذیری در تعیین میزان و نحوه محاسبه خسارت، و امکان تطبیق با شرایط خاص هر قرارداد است. (صفایی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۰) با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد، از جمله احتمال سوءاستفاده طرف قوی‌تر قرارداد و نیاز به نظارت قضایی برای جلوگیری از شروط ناعادلانه. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۶۸)

۲-۵. تفکیک جریمه از خسارت تأخیر تأدیه

تفکیک مفهومی و عملی بین جریمه و خسارت تأخیر تأدیه، همراه با ارائه الگوی جدید برای محاسبه خسارت، می‌تواند راهکار مؤثری برای حل چالش‌های موجود در زمینه جریمه تأخیر تأدیه باشد. این رویکرد بر مبنای نظری استوار است که جریمه را دارای جنبه تنبیهی و خسارت تأخیر تأدیه را صرفاً برای جبران ضرر واقعی طلبکار در نظر می‌گیرد (موسویان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۸) در اجرای این روش، خسارت تأخیر تأدیه بر اساس میزان واقعی ضرر وارده به طلبکار محاسبه می‌شود؛ درحالی‌که جریمه به عنوان مبلغی اضافی برای مجازات تأخیر در نظر گرفته شده و می‌تواند به امور عام‌المنفعه اختصاص یابد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۵۵) برای محاسبه دقیق‌تر خسارت، الگوی جدیدی پیشنهاد می‌شود که شامل اجزایی چون نرخ پایه (بر اساس تورم)، ضریب مدت تأخیر، ضریب مبلغ بدهی و ضریب وضعیت مالی بدهکار است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۸۰) مزایای این رویکرد ترکیبی شامل کاهش شبهه ربوی بودن، ایجاد انگیزه برای پرداخت به موقع، امکان استفاده از جریمه‌ها در جهت منافع عمومی (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵)، انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط مختلف، و رعایت عدالت با در نظر گرفتن وضعیت مالی بدهکار است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۳۲۵) با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد، از جمله دشواری در تعیین دقیق میزان خسارت واقعی، نیاز به سیستم نظارتی دقیق (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹، ص ۲۹۸)، پیچیدگی در محاسبه و نیاز به سیستم‌های نرم‌افزاری پیشرفته، و لزوم به‌روزرسانی مداوم ضرایب بر اساس شرایط اقتصادی. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۳۵)

۳-۵. عقد صلح به عنوان راهکار حل مشکل جرمه تأخیر تأدیه

عقد صلح، به عنوان یکی از عقود معین در فقه اسلامی و قانون مدنی ایران، راهکاری مؤثر برای حل مشکل جرمه تأخیر تأدیه است که مشروعیت آن توسط شورای نگهبان تأیید شده و با ماده ۷۵۲ قانون مدنی مطابقت دارد. (موسویان، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۳۴۵) این عقد از طریق انعقاد قرارداد مستقل و تعیین مبلغ مشخص به عنوان مصالحه اجرا می‌شود. (شهیدی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۹) از مزایای اصلی آن می‌توان به عدم شمول قواعد ربا و انعطاف‌پذیری در تعیین مبلغ اشاره کرد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶) برای صحت این عقد، سه شرط اساسی شامل قصد و رضای طرفین، تعیین دقیق موضوع صلح و مشخص بودن عوضین ضروری است. (امامی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۴؛ محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۱۶۷) این راهکار به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر و قابلیت اجرای قانونی، می‌تواند مشکلات مربوط به جرمه تأخیر تأدیه را حل کند. (عابدیان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵) اجرای صحیح این عقد مستلزم رعایت تمامی شرایط قانونی و شرعی است تا از شبهه ربا به دور باشد. (نقیبی، ۱۳۹۷، ص ۹۸)

۴-۵. بیمه تأخیر تأدیه به عنوان راهکار حل مشکل جرمه تأخیر تأدیه

بیمه تأخیر تأدیه به عنوان راهکاری نوین در نظام بانکی، روشی است که در آن ریسک تأخیر در پرداخت به شرکت بیمه منتقل می‌شود. (میرمعزی، ۱۳۹۸، ص ۹۲) در این روش، بیمه‌گر در ازای دریافت حق بیمه، متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت، خسارت وارده را جبران کند. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸) این راهکار علاوه بر حل مشکل شرعی جرمه تأخیر، باعث کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها می‌شود. (حبیبیان نقیبی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳) مزیت اصلی این روش، تبدیل ماهیت جرمه به حق بیمه است که شبهه ربا را برطرف می‌کند. (عابدیان، ۱۳۹۷، ص ۱۶۷) برای اجرای موفق این راهکار، باید چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسب تدوین شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۲۸۹) همچنین، تعیین نرخ حق بیمه باید بر اساس محاسبات آماری و اکچوئری صورت گیرد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸) این روش می‌تواند به عنوان یک نوآوری مالی، نقش مهمی در توسعه بانکداری اسلامی ایفا کند. (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴)

۶. تحلیل و ارزیابی راهکارهای پیشنهادی

راهکارهایی که در بالا مطرح شد، لازم است که مورد ارزیابی قرار گرفته شوند که در این بخش صورت می‌گیرد.

۶-۱. مزایا و معایب هر راهکار

تحلیل و ارزیابی راهکارهای پیشنهادی برای حل چالش‌های مربوط به جریمه تأخیر تأدیه نشان می‌دهد که هر راهکار دارای مزایا و معایب خاص خود است. استفاده از شروط ضمن عقد، به عنوان اولین راهکار، مزایایی چون کاهش شبهه ربوی بودن، انعطاف‌پذیری در تعیین میزان خسارت و مشروعیت فقهی و حقوقی دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۷۸) این روش بر اساس قاعده (المؤمنون عند شروطهم) استوار است و امکان تطبیق با شرایط خاص هر قرارداد را فراهم می‌کند. (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۴۵) با این حال، معایبی چون احتمال سوءاستفاده طرف قوی‌تر قرارداد و نیاز به نظارت قضایی برای جلوگیری از شروط ناعادلانه نیز وجود دارد. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۰۳) تفکیک جریمه از خسارت تأخیر تأدیه، به عنوان راهکار دوم، مزایایی مانند کاهش شبهه ربوی بودن با تمرکز بر جبران خسارت واقعی و ایجاد انگیزه برای پرداخت به موقع را دارد. (موسویان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۱۰) این روش امکان استفاده از جریمه‌ها در جهت منافع عمومی را نیز فراهم می‌کند. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲) اما دشواری در تعیین دقیق میزان خسارت واقعی و نیاز به سیستم نظارتی دقیق از معایب این روش است. (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹، ص ۳۱۵) ارائه الگوی جدید برای محاسبه خسارت، به عنوان راهکار سوم، مزایایی چون انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط مختلف اقتصادی و فردی را دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۳۴۰) این روش با در نظر گرفتن وضعیت مالی بدهکار، رعایت عدالت را تضمین می‌کند و امکان به‌روزرسانی مداوم بر اساس شرایط اقتصادی را فراهم می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴۹۵) با این حال، پیچیدگی در محاسبه و نیاز به سیستم‌های نرم‌افزاری پیشرفته از معایب این روش است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۵۲)

۶-۲. امکان‌سنجی اجرای راهکارها در نظام بانکی ایران

امکان‌سنجی اجرای راهکارهای پیشنهادی در نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که هر راهکار با چالش‌ها و فرصت‌های خاصی روبرو است. استفاده از شروط ضمن عقد

با امکان‌پذیری متوسط تا بالا ارزیابی می‌شود. این روش با توجه به سابقه فقهی و حقوقی در ایران، قابلیت اجرایی بالایی دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۰۵) با این حال، نیاز به تدوین دستورالعمل‌های دقیق توسط بانک مرکزی برای استانداردسازی شروط و ضرورت آموزش کارکنان بانک‌ها برای تنظیم صحیح قراردادها وجود دارد. (موسویان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۳۰) همچنین، تقویت نظارت قضایی برای جلوگیری از شروط ناعادلانه ضروری است. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۲۵) تفکیک جریمه از خسارت تأخیر تأدیه با امکان‌پذیری متوسط ارزیابی می‌شود. این راهکار نیازمند اصلاح قوانین و مقررات بانکی برای تفکیک دقیق جریمه و خسارت است. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۰) ایجاد سازوکارهای محاسباتی دقیق برای تعیین خسارت واقعی و تعیین مصارف مشخص برای جریمه‌های دریافتی از ضروریات این روش است. (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۹، ص ۳۳۵)

- شروع با استانداردسازی و بهبود شروط ضمن عقد در قراردادهای بانکی
 - اجرای آزمایشی تفکیک جریمه از خسارت در برخی بانک‌ها و ارزیابی نتایج
 - طراحی و آزمون محدود الگوی جدید محاسبه خسارت
- ارزیابی نتایج و انتخاب بهترین ترکیب از راهکارها برای اجرای سراسری این رویکرد تدریجی می‌تواند ضمن کاهش ریسک‌های اجرایی، امکان اصلاح و بهبود راهکارها را در طول زمان فراهم کند. (شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۸۰)

نتیجه‌گیری

مسئله جریمه تأخیر تأدیه در نظام بانکداری اسلامی ایران، تنش آشکاری میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات شرعی ایجاد کرده که حل آن نیازمند رویکردی متعادل و عمیق است. این پژوهش نشان داد که نمی‌توان با نگاهی تک‌بعدی به این مسئله پرداخت، بلکه باید همزمان به ابعاد فقهی، حقوقی و اقتصادی آن توجه داشت. بررسی قواعد فقهی نشان داد که اسلام هرگز نسبت به خسارات وارده به افراد بی تفاوت نبوده است. قاعده لاضرر و قاعده تسبیب به روشنی تأکید دارند که هیچ‌کس نباید بدون جبران خسارت، حق دیگران را پایمال کند. مشکل اصلی جریمه‌های کنونی این نیست که خسارت را جبران می‌کنند، بلکه در این است که

شبهه ربا به آنها راه یافته و تفاوت واقعی میان جبران خسارت و کسب سود نامشروع گاهی محو می شود. یافته های تحقیق حاکی از آن است که راه حل در استفاده هوشمندانه از ظرفیت های موجود در فقه و حقوق است. شروط ضمن عقد، تفکیک جریمه از خسارت، و عقد صلح، ابزارهایی هستند که می توانند پاسخگوی نیازهای اقتصادی باشند و در عین حال از شبهه ربا دور بمانند. نکته اساسی این است که جریمه باید متناسب با خسارت واقعی باشد و نه بیشتر از آن.

تجربه سایر کشورهای اسلامی نشان می دهد که این مسئله فقط مختص ایران نیست و کشورهای مختلف با راهکارهای متنوعی به آن پاسخ داده اند. برخی از این تجربیات می تواند برای ما آموزنده باشد، اما راه حل نهایی باید متناسب با ساختار فقهی-حقوقی ایران طراحی شود. الگوی پیشنهادی این پژوهش که بر اساس شاخص های اقتصادی و وضعیت مالی بدهکار طراحی شده، قابلیت انعطاف دارد و می تواند هم عدالت را رعایت کند و هم کارآمدی اقتصادی را تضمین نماید. البته اجرای این الگو نیازمند همکاری میان بانک مرکزی، شورای فقهی و نهادهای نظارتی است و باید به تدریج و با دقت پیاده سازی شود. تحلیل امکان سنجی اجرا نشان داد که بهترین روش، شروع با پروژه های آزمایشی در تعداد محدودی از بانک ها است. این رویکرد تدریجی امکان می دهد که مشکلات احتمالی شناسایی و برطرف شوند و الگو قبل از اجرای سراسری، بهینه سازی گردد. در پایان باید گفت که این مسئله نه یک بحث صرفاً فقهی است و نه صرفاً اقتصادی. این مسئله درباره چگونگی مدیریت یک نظام بانکی است که هم به اصول اسلامی وفادار باشد و هم پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه. فقه اسلامی با غنا و انعطاف خود، قادر است راه حل هایی ارائه دهد که هم شرع را حفظ کنند و هم اقتصاد را از رکود نجات دهند. آنچه نیاز داریم، اراده جدی برای اجرای این راه حل ها و همکاری میان نهادهای مختلف است تا بتوانیم نظام بانکی خود را به الگویی موفق برای بانکداری اسلامی در جهان تبدیل کنیم.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 ۳. امامی، سید حسن (۱۳۹۶ش). حقوق مدنی. جلد اول، چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات اسلامی.
 ۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۵. _____ (۱۴۲۸ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
 ۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ش). گزارش عملکرد نظام بانکی کشور. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 ۷. بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ش). القواعد الفقہیة. تهران: مؤسسه عروج.
 ۸. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴ش). حقوق تعهدات و قراردادهای. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۹. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۶ش). قواعد فقه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۱۰. توسلی، محمد و کاشیان، علی (۱۳۹۸ش). تحلیل اقتصادی جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران. فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی. ۱۲ (۳۹)، ۱۲۳-۱۴۸.
 ۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۷ش). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
 ۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰ش). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
 ۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین.
 ۱۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۴۰۰ش). جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ۱۷ (۲)، ۱۲۰-۹۵.
 ۱۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رضایی، محمد و کریمی، علی (۱۴۰۰ش). بررسی فقهی - حقوقی جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقهی. ۱۷ (۲)، ۱۲۰-۹۵.
 ۱۶. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۹۷ش). بررسی فقهی و حقوقی عقد صلح در نظام بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۰)، ۱۲۰-۹۵.
 ۱۷. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت.
 ۱۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ق). أجوبة الاستفتاءات. قم: دفتر معظم له.
 ۱۹. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینة العلم.
 ۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دمشق - بیروت: دار القلم، الدار الشامیة.
 ۲۲. رضوانی، غلامرضا (۱۳۷۵ش). بررسی فقهی جرمه تأخیر تأدیه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۶ ق.). *الربا فی نظر الاسلام*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۴. — (۱۴۲۳ ق.). *الموجز فی أصول الفقه*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۵. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ ق.). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۲۶. شمس، عبدالله (۱۳۹۸ ش.). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: دراک.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ ق.). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۸. شهیدی، مهدی (۱۳۹۸ ش.). *حقوق مدنی: آثار قراردادهای و تعهدات*. تهران: مجد.
۲۹. — (۱۳۹۸ ش.). *حقوق مدنی: تشکیل قراردادهای و تعهدات*. تهران: مجد.
۳۰. صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۹ ش.). *بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر تأدیه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. — (۱۳۹۹ ش.). *فقه و حقوق قراردادهای*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. صفایی، سید حسین (۱۳۹۷ ش.). *قواعد عمومی قراردادهای*. تهران: میزان.
۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. طباطبایی، سید محمدصادق (۱۳۸۹ ش.). *بررسی فقهی حقوقی جرمه تأخیر تأدیه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. عابدیان، میرحسین (۱۳۹۷ ش.). *راهکارهای حقوقی جایگزین جرمه تأخیر تأدیه*. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۲)، ۱۶۰-۱۳۵.
۳۶. عبدی پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۹ ش.). *حقوق تعهدات*. تهران: مجد.
۳۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق.). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق.). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
۳۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ ق.). *القاموس المحیط*. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۴۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵ ش.). *قواعد عمومی قراردادهای*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۱. کاشانی، محمود (۱۴۰۰ ش.). *چالش های فقهی و حقوقی جرمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی ایران*. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۱ (۸۱)، ۱۸۶-۱۵۷.
۴۲. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۸ ش.). *قواعد فقه: بخش مدنی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۹ ش.). *ربا، بانک و بیمه*. تهران: صدرا.
۴۴. — (۱۳۹۹ ش.). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق.). *القواعد الفقهية*. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۴۶. — (۱۴۲۷ ق.). *انوار الفقاهة - کتاب البیع*. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب.
۴۷. مهرپور، حسین (۱۳۹۹ ش.). *مجموعه نظریات شورای نگهبان*. تهران: دادگستر.
۴۸. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ ش.). *قواعد فقهیه*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶ ش.). *ربا و تورم*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰. موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۷ ش.). *بانکداری اسلامی (مبانی نظری - تجارب عملی)*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۵۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

52. Al-Shamsi, F. (2020). *Islamic Finance in the UAE: Legal and Regulatory Issues*. London: Routledge.

53. Farnsworth, E. A. (2018). *Farnsworth on Contracts*. New York: Aspen Publishers.

54. Hussain, M., Shahmoradi, A., & Turk, R. (2019). *An Overview of Islamic Finance*. *Journal of International Commerce, Economics and Policy*, 10(01), 1950004.

55. McKendrick, E. (2020). *Contract Law: Text, Cases, and Materials*. Oxford: Oxford University Press